تکرار تجربیات تلخ در لیگ ایران

کجای پازل فوتبال مان اشتباه است

بخش ورزش- ساعت ۲۰:۱۵ روز جمعه شش اردیبهشت بیژن حیدری در سوت خود دمید تا الکلاسیکوی ایران که نه، بلکه نبرد در میدان جنگ آغاز شود، نبردی که از روی سکوهای ورزشگاه از دقایقی پیش از آغاز بازی شروع و سپس به درون زمین کشیده شد و هر بار که بازیکنان درگیر می‌شدند سکوها نیز ملتهب‌تر می‌شد، اما چرا. چرا تماشاگران دو تیم پرطرفدار کشور به جای اینکه از بازی زیبای دو تیم پر قدرت خود لذت ببرند به سوی یکدیگر سنگ، صندلی و ... پرت کردند؟ دلیل اینکه تماشاگران فوتبال در ایران به خصوص تماشاگران تیم‌های پر طرفدار به جای نگاه کردن به زمین مسابقه بیشتر وقت خود را صرف فحاشی، یا پرتاب سنگ و ... می‌کنند، چیست؟ کجای پازل فوتبال این کشور مشکل دارد، چه چیزی سر جای خود نیست؟ پس از مدیریت نامناسب وضعیت اجتماعی و روانی ورزشگاه‌های کشور مگر چگونه است که ما به جای فوتبال جنگ می‌بینیم و به جای لذت بردن، ژانر وحشت را روی سکوها اکران می‌کنیم؟

برای بررسی این چراها و واکاوی این موضوع با رضا شجیع، استاد دانشگاه، پژوهشگر جامعه شناسی فوتبال و مسئول دبیرخانه کمیسیون فرهنگی تربیت بدنی و ورزش کشور به گفت وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

ما محکوم به تکرار تجربیات تلخ هستیم

اولین نکته مهم در ارتباط با وقایع اخیر، دلسردی عمیقی است که در جامعه متخصص حوزه ورزش و گروه‌های روشنفکری جامعه ایجاد شده است. در جایی یکی از فعالان اجتماعی از سکوت جامعه شناسان تعجب کرده بود و پرسیده بود؛ چرا در ارتباط با این اتفاقات موضع نمی‌گیرند. باور کنید که هزاران صفحه محتوا و مطلب علمی و تحلیلی طی سال‌های اخیر منتشرشده است، ولی انگار که فایده‌ای ندارد. معتقدم برای بی‌اثر بودن این تلاش‌ها دو دلیل وجود دارد؛ اول اینکه پرداخت ما به موضوع ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری هواداران و تماشاگران در ورزشگاه مقطعی است و صرفاً تا زمانی به این سوژه می‌پردازیم که اصطلاحاً داغ است. به زبان ساده‌تر، رفتار ما در قبال این معضل کنشگرانه نیست بلکه واکنشی است. در الگوی رفتار واکنشی، رفع موقتی یا دور شدن از محرک، ما را به سمت دیگری سوق می‌دهد و ما از قضاوت درست در مورد آن ناتوان می‌شویم، چراکه ما با اصل ماجرا مشکل نداریم با بروزهای موقتی و جریان ساز آن مشکل داریم، چراکه اگر داشتیم، پیشگیری می‌کردیم و هیچ‌گاه نمی‌گذاشتیم کار به اینجا بکشد. به نظرم ما محکوم به تکرار تجربیات تلخ تاریخ هستیم و باید فاجعه ناگواری شبیه فاجعه هیلزبورو ۱۹۸۹ اتفاق بیفتد تا ما از کوتاه مدت نگری دست برداریم.

با معضلات ورزشگاه‌ها سطحی برخورد کردیم

وقتی صحبت از کار ریشه‌ای است، به دومین عامل می‌رسیم. برای تشریح دلیل دوم اجازه دهید مثالی بزنم؛ اگر تشخیص شما از یک خونریزی موضعی این باشد که سطحی است، ممکن است شما به اولین کلینیک مراجعه کرده و کار را با چند بخیه تمام کنید، اما اگر تشخیص شما این است که وضعیت وخیم است و نیازمند جراحی است، بنابراین باید کار را به دست پزشک قابل‌تر با تجهیزات مدرن‌تر بسپارید. موضوع این است که ما طی دهه‌های اخیر با مسأله به این مهمی یعنی معضلات فرهنگی و اخلاقی ورزشگاه‌ها به‌صورت سطحی برخورد کرده‌ایم. متأسفانه خواسته‌ایم با مسکن و بخیه پزشک تجربی سروته قضیه را هم بیاوریم. غافل از اینکه هر روز با پیچیدگی‌های مضاعف بیشتری مواجهیم و مواجهه با این فضاها و حل معضلات آن‌ها در کلان نیازمند اراده و در سطح خرد

نیازمند نیروهای اجرایی متخصص و شجاع است. متأسفانه فدراسیون فوتبال، موضوع کار فرهنگی در فوتبال را به نصب بنر و شعارهای مناسبتی تقلیل داده و هرگز برنامه بلندمدتی برای اصلاح ندارد. پس دومین دلیل، سر شدگی ساختاری است؛ بدین معنا که مانند باکتری مقاوم در برابر آنتی بیوتیک، هیچ راهکار و راهبردی بر آن اثرگذار نیست. این ساختار سنتی صرفا می‌خواهد لیگ را تمام کند و دوباره به چرخه معیوبش بازگردد، و البته می‌داند که این مواضع و جنجال‌های رسانه‌ای به زودی تمام می‌شود.

ورزشگاه بازتابی از خشونت پنهان جامعه

آنچه در مورد رفتار هواداران می‌توان گفت؛ این است که اساساً ورزشگاه خشونت پنهان جامعه را بازتاب می‌دهد و این حجم عصبانیت و خشونت، با حجم خشونتی که در بطن جامعه مشاهده می‌شود سازگار است و از این منظر باید به فوتبال تبریک گفت که مختصات زیست اجتماعی ما را به خوبی عریان کرده و به اصطلاح رسانه‌ای می‌کند. اساساً معتقدم ورزشگاه خشونت پنهان جامعه را بازسازی می‌کند و از این منظر باید به فوتبال تبریک گفت که مختصات زیست اجتماعی ما را به خوبی عریان کرده و به‌اصطلاح رسانه‌ای می‌کند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که هوادار هویت خود را با هویت باشگاه پیوند می‌دهد و این پیوند به معنای همگن شدن اضطراب‌ها و چالش‌های واقعی زندگی هوادار با چالش‌ها و اضطراب‌های ناشی از حضور فعال در یک رقابت ورزشی است.

نقش دست‌های پشت پرده

در اینکه حساسیت لیگ و وضعیت امتیازات، ورزشگاه‌ها را به دیگ‌های جوشان تبدیل کرده شک نکنید، ولی بر اساس حضور میدانی که در جمع هواداران تیم‌ها و ورزشگاه‌ها داشتم، متوجه شدم که نوعی گفتمان بی اعتمادی نزد هواداران جاری است و اتفاقاً مختص هواداران تیم‌های شهرستانی هم نیست. بی‌اعتمادی پیوستار گونه‌ای که از دولت گرفته تا فدراسیون و حتی داوران را دربرمی گیرد. اینکه همه در تلاش هستند تا مثلاً فلان باشگاه قهرمان نشود یا فلان باشگاه قهرمان شود. معتقدم این گفتمان منفی، محور خشونت‌ها است چون پیش فرضی است که عدالت رویه‌ای بازی‌ها را از قبل از شروع نشانه گرفته و برای هوادار پیش‌فرض ایجاد می‌کند.

به همین دلیل است که خشونت روی سکوها از ساعت‌ها قبل از شروع بازی آغاز می‌شود. در پاسخ به سئوال شما باید بگویم؛ اگر فتنه‌ای برای تشدید این خشونت‌ها در کار باشد، صرفاً تشدید و تقویت همین گفتمان بی اعتمادی است، با تقویت آن، باقی اهداف پنهان گروه‌های سودجو تأمین می‌شود.

اعتمادسازی و اصلاح وضعیت

ببینید این دیوار یک شبه ایجاد نشده که یک شبه هم برداشته شود. بخش اعظم آن ناشی از گفتمان‌های خارج از متن ورزش و بخش کوچک آن ناشی از سوء مدیریت در برخی برهه‌های زمانی بوده است. وظیفه اصلی این اعتمادسازی بر عهده مدیریت باشگاه‌هاست که متأسفم بگویم در برخی موارد، خود مدیران باشگاهی به این گفتمان دامن می‌زنند. به‌هرحال باید باز هم تأکید کنم فضایی نظیر فضای لیگ فوتبال که جمعیت کثیری را به شکل توده بی‌شکل درگیر می‌کند، فرصت مناسبی برای ظهور و بروز متن‌های سیاسی، فرهنگی، اخلاقی جامعه از طریق متن هواداری فوتبال فراهم کرده و این متن‌ها امکان برجسته شدن نیز پیدا می‌کنند؛ موضوعی که در همه جای دنیا و حتی کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده می‌شود. البته آن‌ها از طریق کانون‌های هواداری متشکل، منسجم و مسئول این مسائل را حل کرده‌اند و ضمن اینکه تعریف آن‌ها از کانون هواداری با تعریف و نگاه ما نسبت به کانون هواداری فرسنگ‌ها فاصله دارد و معتقدم ما مثل بسیاری از چیزها صرفاً واردکننده «فرم» هستیم و دست‌پختمان در محتوا چیزی بهتر از آش شله‌قلمکار نشده است.

حرکت به سمت ورزشگاه عقلانی

برای خروج از این وضعیت نامطلوب سه پاسخ سریع وجود دارد؛ اول اینکه لیگمان را تعطیل کنیم، دوم اینکه بر تعداد نیروهای انتظامی ورزشگاه بیفزاییم و هر هفته شاهد زدوخورد آن‌ها با هواداران باشیم تا بالاخره لیگ خودش تمام شود و سوم اینکه به تجربه کشورهای موفق در مدیریت و کنترل ورزشگاه‌ها رجوع کنیم و یک‌بار برای همیشه این مسأله را با افزایش منطق هزینه- فایده خشونت برای تماشاگران و هواداران حل کنیم. بارها تأکید کرده‌ام لازمه آن حرکت به سمت ورزشگاه عقلانی است، ورزشگاهی که نظم و کنترل را به هوادار و تماشاگر دیکته کند و زمینه ارزش‌آفرینی از طریق این فضای عقلانی شده را فراهم نماید. این روش ممکن است در کوتاه‌مدت به فرهنگ افزایی هواداران کمک نکند، ولی قطعاً برای نسل‌های آتی جواب می‌دهد. چه‌بسا که برای کشورهای پیشرو در زمینه اوباشگری فوتبال جواب داده است.

سپیدرود- معجزه
پیوند جدایی‌ناپذیر برای شمالی‌ها

بخش ورزش- نماینده گیلان حالا فرصت طلایی دارد تا برای اولین مرتبه از قعر جدول جدا شود و دو هفته مانده تا پایان مسابقات شانس خود برای بقا در لیگ برتر را افزایش دهد. نفت مسجدسلیمان مقابل صنعت نفت باخت تا تقریبا باخت سپیدرود برابر فولاد بی اثر شود و نماینده استان گیلان به بازی این هفته با شاگردان فیروز کریمی امیدوار شود. سپیدرود با احتساب لیگ هجدهم، دومین فصل حضور خود در لیگ برتر را پشت سر می‌گذارد. آن‌ها سال گذشته با هدایت علی کریمی در نیم فصل دوم یکی از بهترین نتایج خود را کسب کردند و به صورت ناپلئونی بالاتر از سپاهان در لیگ برتر باقی ماندند. آن‌ها امسال را با حواشی متعددی آغاز کردند. از حضور دو مالک و دو سرمربی که در نهایت نتایج بسیار ضعیف سرخ‌های رشتی را در پی داشت. اما با آمدن کریمی به عنوان مالک و سرمربی وضعیت باشگاه بسیار سر و سامان پیدا کرد اما از نظر نتیجه روال عادی برقرار نشد تا شاهد حضور دست نشان در راس فنی سپیدرود باشیم. این تیم همراه با مربی جدید نتایج سینوس واری کسب کرد تا کماکان طبق عادت قبلی در بین سه تیم آخر را تجربه کند. حالا آن‌ها به دو ایستگاه مانده به آخر رسیده‌اند. بازی بسیار سخت و سرنوشت ساز در شهر اولین‌ها یعنی مسجدسلیمان. سپیدرود این فرصت را دارد با کسب دومین برد خارج از خانه فصل خود، از طلایی ترین زمان استفاده کرده و بالای سر نفت قرار گرفته و فرار بزرگی از سقوط داشته باشند. چیزی شبیه به معجزه که توسط بازیکنان این تیم قابل تکرار است و تنها عزم جزمی برای انجام این کار بزرگ می‌خواهد.

قسط اول طلب کی روش پرداخت شد

بخش ورزش- مدیر روابط عمومی وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد که اولین قسط مطالبات سرمربی پرتغالی تیم ملی پرداخت شده است.

کارلوس کی روش بعد از جدایی از تیم ملی ایران ، هنوز با فدراسیون فوتبال چالش دارد. او درست روزی که گفته می شد فدراسیون در حال توافق با مربی جدید است مصاحبه ای تند علیه رئیس فدراسیون فوتبال ایران با یکی از خبرگزاری ها انجام داد و اعلام کرد که از فدراسیون فوتبال ایران شکایت می کند. کی روش اما چند روز مصاحبه ای به همان تندی مصاحبه قبلی علیه مهدی تاج و فدراسیون فوتبال ایران انجام داد و اعلام کرد که باید مطالباتش را براساس تعهدی که داده اند پرداخت کنند. اما گویا فدراسیون فوتبال ایران و وزارت ورزش و جوانان دراین زمان توانسته اند بخشی از مطالبات سرمربی تندخوی پرتغالی را تهیه کنند. مازیار ناظمی مدیرروابط عمومی وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد که اولین قسط از مطالبات کارلوس کی روش تامین و به او پرداخت شده است. این موضوع می تواند خطر شکایت کارلوس کی روش از فدراسیون فوتبال و مشکلات جانبی را کمتر کند و دست کم می تواند از مصاحبه های تند و خشن این مربی تا رسیدن زمان قسط بندی جلوگیری کند.

هواداران کارلسروهه امیدوار به بازگشت وینفرد شفر

بخش ورزش- یک سایت آلمانی نوشت هواداران تیم دسته سومی کارلسروهه آلمان امیدوار هستند وینفرد شفر بار دیگر هدایت این تیم را بر عهده بگیرد.

به گزارش ایسنا و به نقل از KARLSRUHE-INSIDER، وینفرد شفر، سرمربی آلمانی از تیم استقلال جدا شد و بار دیگر به عنوان مربی آزاد شناخته شد. این خبر برای خیلی‌ها از جمله هواداران کارلسروهه به مانند ترکیدن یک بمب صدا کرد. شفر که ۱۲ سال در کارلسروهه کار کرده است می‌تواند بار دیگر هدایت این تیم را بر عهده بگیرد. او در این مدت هم اخبار تیم پیشین خود را دنبال می‌کرد و بازی‌های این تیم را نیز به خوبی رصد کرد. هواداران تیم کارلسروهه بسیار امیدوار هستند که شفر بار دیگر هدایت تیم‌شان را بر عهده بگیرد. این تیم اکنون در دسته سوم فوتبال باشگاهی آلمان فعالیت می‌کند و به همین خاطر ممکن است حضور شفر در این تیم به مانند یک رؤیا برای هواداران کارلسروهه باشد. در این میان، تعدادی موافق جدایی شفر بودند. آنها اعتقاد داشتند که این مربی نتوانست شرایط استقلال را بهتر کند و هر چه زمان می‌گذشت وضعیت بدتر می‌شد. این عده بر این عقیده هستند که حضور فرهاد مجیدی شوک خوبی به مجموعه خواهد بود و او بهتر می‌تواند جلوی یک‌سری از مسائل را بگیرد. مجیدی هم در اولین حضورش به عنوان سرمربی، گادوین منشا را به دلیل قهر در بازی با پدیده، از تیم کنار گذاشت.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان گیلان

شماره مجوز : ۱۳۹۸/۶۵۸

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی
شرکت گاز استان گیلان – شماره ۶/م/۹۸ (نوبت اول)

۱ – دستگاه مناقصه‌گزار:	شرکت گاز استان گیلان
۲ – نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:	رشت – پارک شهر، خیابان ملت، خیابان شهید سیادتی، شرکت گاز استان گیلان
۳ – موضوع مناقصه:	تعمیرات شبکه و انشعاب و تاسیسات گاز آستانه اشرفیه. مدت پیمان: ۳۶۰ روز تقویمی
۴ – مبلغ برآورد اولیه و مدت پیمان:	۴/۱۷۲/۴۲۸/۰۰۰ ریال
۵ – نوع و مبلغ تضمین:	ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی به شماره شبا حساب IR۶۱۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۹۲۰۶۳۷۸۷۴۶ به شناسه واریز ۹۲۲۱۱۹۲۵۲۲۹۲۶۸۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱ بانک مرکزی یا یکی از تضامین معتبر در آیین‌نامه شماره ت ۵۰۶۵۹/۱۲۳۴۰۲ ه مورخ ۹۴/۹/۲۲ به مبلغ ۲۰۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۶ – آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی:	۹۸/۲/۲۳
۷ – آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهادی توسط مناقصه‌گران:	تا پایان ساعت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۸/۳/۶
۸ – زمان بازگشایی پاکات مناقصه:	۹۸/۳/۱۲
* در این مناقصه دستورالعمل تعیین دامنه قیمتهای متناسب پیشنهادی صنعت نفت اجرا می‌شود. تذکر مهم: قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.	
۹ – مکان دریافت و تحویل اسناد پیمانکاران:	رشت – پارک شهر، خیابان ملت، خیابان شهید سیادتی، ساختمان مدیریت شرکت گاز استان گیلان، طبقه سوم، امور قراردادها
۱۰ – شماره (تلفکس) تماس: ۰۱۳-۳۳۳۶۹۰۸۶ دفتر امور قراردادها	واریز هزینه اسناد به شماره حساب IR۴۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۹۲۰۴۰۲۵۶۳۸ و شناسه واریز ۳۴۷۱۱۹۲۵۲۲۹۲۶۸۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱ بانک مرکزی

این آگهی در سایت شرکت گاز استان گیلان www.nigc-gl.ir و http:// shana.ir و همچنین پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات (معاونت راهبردی ریاست جمهوری) http://iets.mporg.ir قابل رویت می‌باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان گیلان

خارج از گود

علی دایی در دو راهی تیم ملی-تراکتورسازی

بخش ورزش- سرمربی کنونی سایپا تنها ۳ هفته دیگر روی نیمکت این تیم خواهد بود و در پایان فصل احتمالاً از دو پیشنهاد جدی و جذابی که روی میزش است یکی را انتخاب می‌کند. به گزارش ایلنا، تراکتورسازی در فصل هجدهم و تحت مالکیت محمدرضا زنوزی در بخش خصوصی با هزینه‌هایی که در نقل و انتقالات انجام داد توانست با چهره جدیدی متفاوت با آنچه پیش از این از این تیم سراغ داشتیم ظاهر شده و تا اواخر فصل هم یکی از مدعیان جدی قهرمانی بود.

با وجود نتایج نسبتاً خوب سرخ‌های تبریزی، چند عامل آنها را در فصل اول خصوصی‌سازی به جام نرساند که دیر بسته شدن تیم، تغییرات زیاد در جمع بازیکنان، تغییرات زیاد در کادرفنی و حواشی داخلی از جمله آن است. در این میان محمدرضا زنوزی در چند نوبت در صحبت‌هایش وعده یک تیم کهکشانی به مراتب قوی‌تر از تیم کنونی برای فصل آینده داده است و به هواداران قول داده تراکتور فصل نوزدهم مدعی جدی قهرمانی در هر ۲ جام (یا ۳ جام) باشد. تراکتورسازان فصل جاری را با هدایت توشاک شروع کرده و در ادامه با محمد تقوی پیش رفتند و در نهایت جرج لیکنز را به عنوان سرمربی برگزیدند و فصل با هدایت مربی بلژیکی روی نیمکت این تیم به پایان خواهد رسید ولی شنیده‌ها حاکی از آن است که وی قرار نیست فصل آینده هم روی نیمکت تیم تبریزی بنشیند و در پایان فصل با وی قطع همکاری می‌شود.

زنوزی به چند دلیل از عملکرد لیکنز راضی نیست، عدم مدیریت صحیح روی تیم و بازیکنان که منجر به بروز حواشی اخیر شد، نتایج ضعیف هفته‌های پایانی و حتی به خطر افتادن سهمیه این تیم باعث شده باشگاه تصمیم به ادامه همکاری با او نداشته باشد. در فاصله سه هفته مانده به پایان فصل یکی از دغدغه‌های زنوزی برای فصل بعد سرمربی جدید تیمی است که قرار است پرستاره باشد و از آن انتظار نتیجه‌گیری می‌رود و در این میان برخلاف پیش‌بینی‌هایی که نسبت به گزینه خارجی صورت گرفته ظاهرا باشگاه روی یک گزینه داخلی نظر دارد.

علی دایی، سرمربی فصل بعد تراکتورسازی؟

دایی مربی مورد نظر زنوزی برای فصل بعد تراکتور و نزدیک‌ترین گزینه به نیمکت این تیم است. زنوزی با توجه به تجربه‌ای که از همکاری با توشاک و لیکنز داشته عقیده دارد مربی خارجی مثل هندوانه سر بسته می‌ماند و مدتی زمان می‌برد تا با شرایط فوتبال ایران آشنا شود و البته ممکن است همین نا آشنایی با جو و شرایط فوتبال ایران او را از رسیدن به قهرمانی دور کند. برای همین تلاشش بر این است که اولویت خود را روی گزینه‌های داخلی بگذارد و برای همین روی دایی نظر دارد.

دایی در حال حاضر به دلیل مشکلاتی که در سایپا دارد جدایی‌اش از جمع نارنجی پوشان در پایان فصل قطعی است. او در فصل جاری به دلیل مشکلات مالی با مدیران باشگاه و حتی مدیران کارخانه به مشکل خورده و صحبت‌هایی که علیه کارخانه سایپا مطرح کرده باعث شده خود سایپایی‌ها هم تمایلی به همکاری با شهریار برای فصل بعد نداشته باشند و این ۳ هفته باقی مانده هفته‌های پایانی همکاری دایی و سایپاست ولی این موضوع باعث نمی‌شود حضور او را در تراکتورسازی قطعی بدانیم چون یک گزینه جذاب‌تر در حال حاضر پیش روی اقای گل دنیاست.

طولانی شدن پروسه انتخاب سرمربی جدید تیم ملی این ذهنیت را ایجاد کرده که مسئولان فدراسیون منتظر پایان فصل و آزاد شدن گزینه مورد نظرشان هستند و اخباری که به گوش می‌رسد مبنی بر انتخاب دایی روی نیمکت تیم ملی است. با وجود اینکه مسئولان فدراسیون همیشه صحبت از یک گزینه مطرح خارجی و نامی بزرگتر از کی‌روش برای جانشینی او می‌کنند ولی شرایط بد اقتصادی، بالا رفتن فزاینده نرخ ارز و مشکلات تبادل پول به خاطر تحریم‌های بانکی که در حال حاضر مانع پرداخت معوقات خود کی‌روش هم شده است باعث شده فدراسیون را فعلاً به فکر استخدام مربی ایرانی بیاندازد و در حال حاضر موجه‌ترین فرد برای جانشینی کی‌روش علی دایی است.

دایی در حال حاضر در دوراهی تیم ملی و تراکتورسازی قرار دارد و مشخص نیست تصمیم وی برای آینده‌اش چه خواهد بود. هر دو پیشنهاد چالش‌های جدید و جدی برای دایی هستند که با انتخاب‌های سال‌های اخیر او و رویکردش تفاوت دارد.

دایی در سال‌های اخیر تیم‌هایی کم تماشاگر، کم حاشیه و ترجیحاً تهرانی یا نزدیک به تهران را انتخاب کرده تا هم از چالش با هواداران و حاشیه‌های بالقوه آن در امان باشد و هم بیزینس‌های مختلفی که درگیر آن است را مدیریت کند ولی حضور روی نیمکت تیم ملی یا تراکتورسازی شرایط را برای او متفاوت می‌سازد.

او در نشست خبری اخیر خودش هم با توجه به اتفاقاتی که روی سکوها در دیدار پرسپولیس - سپاهان افتاده خدا را شکر کرده که در تیمی بدون تماشاگر مربیگری می‌کند و درگیر این مسائل نیست. به هر جهت چیزی که به نظر می‌رسد این است که با توجه به سختی‌هایی که کار در تیم ملی خصوصاً مقطع کنونی و جانشینی کی‌روش دارد احتمال پذیرش پیشنهاد تراکتورسازی از سوی دایی بیشتر است. او هم رابطه خوبی با زنوزی دارد و هم می‌داند در این تیم فصلی بدون دغدغه مالی و محدودیت بودجه در خرید بازیکن را به همراه خواهد داشت و بعد از چند سال میانه نشینی در جدول با یک چالش جدید در کورس قهرمانی قرار بگیرد و چه بسا جام قهرمانی بالای سر ببرد و در مقطع دیگری به فکر بازگشت به تیم ملی باشد.

هیولای درون در استقلال؛ رییس کیست

بخش ورزش- پیشکسوت‌های استقلال زمان‌های بحران این باشگاه را تعبیر می‌کنند به «هیولای درون». حالا این هیولای درون دوباره بیدار شده. باخت دربی کافی بود تا آتش زیر خاکستر استقلال شعله‌ور شود!

ریشه بحران این‌بار استقلال نه روی نیمکت، که پشت میزهای مدیریت باشگاه است؛ جایی که وزارت ورزش، فتحی و معاونانش، هیات مدیره و کمیته فنی در جنگ قدرت سهم‌خواهی می‌کنند. از روزی که اختلاف علی خطیر با شفر علنی شد، پیش‌بینی خروج استقلال از ریل موفقیت سخت نبود. امیرحسین فتحی که دغدغه‌ای جز رضایت بالادستی‌ها ندارد، یکی به نعل زد یکی به میخ و در نهایت به یک عکس یادگاری رضایت داد تا جنگ تیم خطیر و شفر با چراغ خاموش ادامه پیدا کند. با اضافه شدن کامران منزوی و میرشاد ماجدی به هیات مدیره، مدیریت استقلال عملا تبدیل به جزایر مستقل از هم شد؛ فتحی و معاونانش، منزوی-ماجدی و گروه سعادتمند، به اضافه اعضای کمیته فنی و البته خطیر که به هر جزیره گوشه چشمی دارد.

نبود مدیریت یکپارچه، تزلزل فتحی در تصمیم‌گیری و عدم حمایت قاطع از سرمربی، موقعیت شفر را به خطر انداخت. تمرکز شفر از داخل زمین به جنگ‌های داخلی پرت شد و بحران از پشت میزهای مدیران استقلال به ساق بازیکن‌ها سرایت کرد. حالا رقیب اصلی نه بین تیم‌های مدعی قهرمانی، که داخل باشگاه است؛ پس پیروزی شفر به شکست این گروه(ها) تعبیر می‌شد!

باخت دربی، مساوی سایپا و در نهایت شکست مشهد کافی بود تا استقلال در حساس‌ترین مقطع زمانی با از دست دادن ۸ امتیاز، مغلوب هیولای سه‌سر شود! برگردیم به دو ماه پیش؛ استقلال داخل زمین تیم چشم‌نواز و برنده‌ای است اما خبر می‌رسد فتحی برای فصل بعد به یکی از مربیان لیگ برتری وعده داده «قهرمان شو، برگرد به تیمت». نزدیک به فتحی، معاون باشگاه در جنگ رسانه‌ای، شفر و اطرافیانش را متهم می‌کند به دلالی تا سند خرید ستاره‌های نیم‌فصل را به نام خودش بزند! آن‌سوتر هم منزوی در آخرین مصاحبه سال ۹۷ از ورود پرقدرت به مسائل تیم در سال جدید خبر می‌دهد. شفر در پاسخ، باخت دربی را به این گروه تبریک می‌گوید! عدم تمرکز شفر با بن‌بست تاکتیکی داخل زمین هم همراه شد. استقلال خوب شروع می‌کرد اما چهره یک تیم برنده را نگه نمی‌داشت.

تغییرات مکرر از هماهنگی تیم کم کرد و توان تاکتیکی محدود شد به حفظ نتیجه. استقلال برنامه دوم نداشت و وقتی عقب می‌افتاد جای کام‌بک، ناکام می‌ماند. مشهد پایان قصه شفر شد؛ جایی که ۳ امتیاز حیاتی بود اما باخت تا در فضایی که حمایت عمومی از شفر به کمترین اندازه خود رسید، پروژه حذف اجرا شود. منزوی جلو افتاد، از ضرورت تغییر و از جبران غرامت ۱۶ میلیاردی قرارداد شفر گفت که به قهرمانی فصل آینده می‌ارزد. او پسر شفر را به سوءاستفاده مالی متهم کرد و گفت صبر هواداران دیگر تمام شده. به عبارتی، منزوی تضمین داد که نبود شفر یعنی قهرمانی! فتحی دستور داد از ورود شفر به تمرین جلوگیری کنند و به رختکن رفت تا سرمربی موقت را حین تعویض لباس به بازیکنان معرفی کند. او از لغو بدون هزینه قرارداد شفر هم خبر داد! فرهاد هم به محض شروع تمرین با عنوان جدید سرمربی منشا را کنار گذاشت تا میخ ریاستش را محکم بکوبد؛ «رییس منم!» اینجا، همه رییس‌اند؛ از وزیر تا مدیرعامل باشگاه، از رییس هیات مدیره تا میرشاد و کامران، از خطیر تا اعضای کمیته فنی، همه رییس‌اند!